



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۵

بازشناسی جایگاه باغ شاه

در شهر اشرف‌البلاد از دوره صفوی تا امروز

سمیرا منصوری رودکلی*

چکیده

باغ شاه که در دوران صفوی به عنوان باغ حکومتی و محل دیوانخانه در شهر نوپای اشرف‌البلاد بنیان نهاده شد، از آغاز برپایی‌اش تاکنون متحمل تغییرات بسیاری شده، اما بیش از آنچه در کالبد درونی‌اش تغییر کند، شاهد تغییرات در بافت پیرامون خود بوده‌است. باغی که زمانی در میان مجموعه باغ‌های اشرف‌البلاد، برکل شهر اشراف داشته، اکنون بدون کوچک‌ترین نشانی از شکوه و جلال پیشین، در میان کوچه‌ها و خانه‌های شهر بهشهر محبوس شده‌است.

از سوی دیگر باغ شاه بهشهر، یکی از معدود نمونه‌های هنر باغسازی ایرانی در اقلیم مرطوب می‌باشد که تا امروز باقی مانده‌است و می‌تواند به عنوان شاهدی زنده و گویا روایت‌کننده نقش باغ حکومتی در شهر متفاوتی چون اشرف‌البلاد در ایران دوره صفوی باشد.

شناخت صحیح از چگونگی روابط اصیل حاکم میان باغ و بستر قرارگیری آن و بررسی عوامل لطمه‌زننده به آن می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائلی باشد که امروزه مانند خطری اصالت باغ را تهدید می‌کنند. بنابراین در مقاله حاضر سعی شده است تا از طریق مطالعه اسناد تاریخی و بررسی نقشه‌های وضع موجود و مطالعات میدانی، جایگاه باغ‌شاه در زمان برپایی‌اش در شهر اشرف‌البلاد و رویکرد شهر به آن بازشناسی شود و با تطبیق اطلاعات مربوط به گذشته و حال حاضر، روند تغییرات این رویکرد در طول زمان مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت ضمن مرور و بررسی آسیب‌ها و لطماتی که در نتیجه این تغییرات به اصالت اثر وارد شده است، مشکلات ایجاد شده در رابطه با درک و تشخیص هویت این باغ تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: باغ شاه، اشرف‌البلاد، اصالت باغ، باغ در شهر، دوران صفوی.

* کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستانه اشرفیه، گروه معماری، آستانه اشرفیه (نویسنده مسئول).
smansouri88@gmail.com

مقدمه

باغ در ایران، به عنوان یکی از عناصر مهم موجود در شهر، از روزگاران گذشته مورد توجه بوده است. با آنکه طراحی باغ و ارتباط آن با سایر عناصر موجود در شهر در طول تاریخ باغسازی ایران تا سده‌های اخیر، نسبتاً مسیری پیوسته را طی نموده است، در عین حال می‌توان ابداعات و تنوع طلبی شگفت‌انگیزی را نیز در آن مشاهده کرد که از نقشه‌های متفاوت و متنوعی ناشی می‌شود که باغ در ایران می‌توانسته بپذیرد. پیشینه باغسازی، ابداعات و نوآوری‌ها، نوع نگرش موجود و نقشی که باغ به عنوان یک عنصر شهری برعهده می‌گیرد، در دوره‌های مختلف تاریخی شکل‌دهنده تعامل میان باغ و شهر بوده است. باتوجه به اینکه در دوران صفوی و بخصوص در زمان شاه عباس اول صفوی، شاهد نوآوری‌هایی در زمینه شهرسازی و استفاده از باغ به عنوان یک عنصر مهم در شهر هستیم که به نظر برخی از محققان منحصر به فرد و نوآورانه تلقی شده است^۱، بررسی باغ‌های ساخته شده در این دوران و روابط شهری آنها می‌تواند موضوعی مهم برای پژوهش‌های زیر بنایی امروز به حساب آید.

در زمان صفوی شهرهای مهمی چون اصفهان، تبریز و قزوین مورد توجه قرار گرفتند، اما آنچه در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، باغ شاه در شهر اشرف‌البلاد یا همان بهشهر امروزی است. باغ شاه بهشهر یکی از باغ‌های مجموعه تاریخی بهشهر است که با کمی کلی‌نگری می‌توان آن را یک مجموعه تاریخی صفوی برشمرد. آثار باقیمانده از مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر، که بیشتر آنها مربوط به دوره صفوی می‌باشند، تا اندازه‌ای است که می‌تواند تصویری مبهم از چگونگی ساختار و روابط آنها به دست دهد. با اینکه امروزه ارتباط بین این مجموعه کاخ‌ها از بین رفته است اما هنوز امید هست که با مطالعه دقیق نسخ تاریخی از جمله سفرنامه‌ها و متون تاریخی که به نحوی به باغ مورد بحث اشاره نموده‌اند، و توجه به اهمیت این بافت تاریخی در برنامه‌ها و طرح‌های شهری شاید بتوان روحی در کالبد این آثار گرانبها دمید.

باغ شاه در حقیقت هسته اصلی باغ‌های بهشهر بوده و عمارت دیوانخانه در آن قرار داشته است^۲. این عمارت در حمله افغان‌ها سوزانده شد و در زمان نادر شاه افشار دوباره ساخته شده و عمارت چهلستون نام گرفت. این بنا در دوره قاجار به طور اساسی تعمیر شد اما باغ بدون توجه کافی به حال خود رها شد. بنایی که در حال حاضر در باغ موجود

می‌باشد در زمان پهلوی ساخته شده است و هم‌اکنون با تحمیل تغییراتی به عنوان ساختمان شهرداری بهشهر در حال استفاده می‌باشد.

باتوجه به اینکه سلسله مراتب شهری برای دسترسی به یک فضا و همچنین رویکرد عناصر اطراف به فضای موردنظر می‌تواند بیان‌کننده اهمیت آن در میان سایر فضاهای شهری باشد، می‌توان دریافت که تغییر این روابط چگونه بر درک مخاطب از هویت آن فضا تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین فهم روابط اصیل این باغ تاریخی با شهری که در آن قرار گرفته بود و تأثیر آن در طرح‌های مرمتی و پروژه‌های آتی شهری بسیار مهم و تعیین‌کننده است. باتوجه به آنچه گفته شد و با در نظر داشتن اهمیت باغ شاه به عنوان تنها نمونه از مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر که ساختار آن تاکنون حفظ شده، پی بردن به روند تغییرات بوجود آمده در ارتباط باغ شاه با شهری که در آن قرار داشته و دارد و اشاره به عواملی که در طول زمان به اصالت این رابطه لطمه زده‌اند، مقصود نهایی این مقاله می‌باشد.

روش تحقیق

در مقاله حاضر پس از مطالعه و بررسی اسناد تاریخی مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر و شناخت وضع موجود آنها و تمرکز بر باغ شاه به طور خاص، روابط این باغ با شهر در طول تاریخ بررسی شده است. بنابراین شناخت صحیح و کامل باغ شاه بهشهر و جایگاه آن در شهر در دوره‌های مختلف تاریخی، از طریق مطالعه دقیق اسناد و مدارک تاریخی از قبیل سفرنامه‌های اشخاصی مانند دلاواله، شاردن، استودارت، هانوی و ... که این باغ را در زمان‌های مختلف دیده و توصیف نموده‌اند و کتاب‌هایی که به نحوی به باغ و یا شهر مورد بحث در دوره‌های مختلف تاریخی اشاره نموده‌اند، در برنامه کارهای این پژوهش قرار گرفت. برای بدست آوردن عکس‌های تاریخی و مدارکی از این قبیل به آرشیو عکسخانه کاخ گلستان، سازمان نقشه برداری کشور، سازمان میراث فرهنگی و مراکزی از این دست مراجعه شد. همچنین وضع موجود باغ از طریق مطالعه طرح‌ها و برنامه‌های شهری تهیه شده بررسی گردید. سپس برای تکمیل اطلاعات، کارهای میدانی مانند شناخت بقایای اصیل باغ و شهر و بررسی الحاقات، تغییرات و تخریب‌های انجام گرفته بر آنها، تهیه عکس و به روز نمودن نقشه‌های موجود انجام گرفت.



تصویر ۱. موقعیت باغ‌های تاریخی بهشهر (خوانساری و همکاران، ۱۳۸۳: ۷۸)

بیشتر کمین‌گاه اشراری بود که دستشان به آنچه می‌رسید، از بین می‌بردند» (رابینو، ۱۳۶۵: ۱۰۶).
اوضاع تا زمان فرار آغا محمدخان قاجار (۱۱۲۱-۱۱۷۶ ه.ق) از شیراز به استرآباد به همین منوال بود؛ آغا محمدخان مردم را به تعمیر اشرف تشویق کرد. در دوران پهلوی نیز در دوره بیست ساله اول، چندان توجهی به بهشهر نمی‌شد. اما پس از آن به این شهر بسیار توجه شد؛ این نام، یعنی بهشهر نیز در دوره رضاشاه به اشرف البلاد اطلاق شد (سعیدیان، ۱۳۸۷: ۲۵۶). پس از انقلاب نیز فعالیت‌های عمرانی بسیاری در این شهر انجام گرفت.

جایگاه باغ شاه در شهر عصر صفوی

با استفاده از سفرنامه‌ها، تاریخ‌نگاره‌ها و پژوهش‌هایی که پیش از این انجام شده، می‌توان تا حدودی به چگونگی چهره و کالبد شهر در زمان صفوی، چهره باغ در آن زمان و روابط آنها پی‌برد.

اسکندر بیگ ترکمان در کتاب خود با نام «تاریخ عالم آرای عباسی»، در وصف عمارات اشرف می‌نویسد: «در همین سال، معمار همت والا و طراح طبع همایون که دست آموز چندین صنایع و بدایع کارخانه ایزدی است، در قصبه شریفه اشرف، از قصبات مازندران که به ولایت پنج هزار موسوم و به دارالمؤمنین استرآباد اقرب و فی الحقیقه در

در مرحله بعد این اسناد، باتفکیک محتوایی و بر اساس اطلاعاتی که از آنها قابل دریافت بود، دسته‌بندی شده و مورد مطالعه قرار گرفت و اطلاعات لازم از آنها اخذ شد. در نهایت پس از آنالیز اطلاعات موجود و بررسی داده‌ها، روند تغییر و تحولات باغ، بافت شهر و ارتباط میان این دو مورد بررسی قرار گرفت.

تاریخچه شهر

بهشهر از شهرهای مهم استان مازندران است که خوشبختانه آثار باستانی و مدارک تاریخی بسیاری درباره وضعیت فرهنگ، تمدن و تاریخ آن برجای مانده است.^۲ پس از برچیده شدن نظام ملوک الطوائفی در مازندران، این منطقه مورد توجه شاه عباس اول قرار گرفت و مکرر جهت شکار و تفرج به این منطقه می‌آمد؛ تا اینکه در سال ۱۰۲۱ ه.ق، بهشهر را که در آن زمان روستایی بیش نبود؛ با نام اشرف البلاد، پایه‌ریزی نمود (تصویر ۱). برای این منظور «این پادشاه فاتح بزرگ و سیاستمدار عظیم، عده بسیار کثیری از مردم ارمنستان و گرجستان را بدانجا کوچ داد و آنجا را از نو مسکون کرد ... شاهنشاه، سی هزار خانواده مسیحی را به این ناحیه انتقال داد» (شاردن، ۱۳۵۰: ۲۵). ولی بنا به گفته شاردن، بعدها جمعیت شهر تقلیل یافت «ولی هنگام اقامت من در مازندران در ملازمت دربار، مشاهده کردم که در طی چهل سال، تعداد مسیحیان به چهارصد خانوار تقلیل یافته است...» (شاردن، ۱۳۵۰: ۲۵). مرگ شاه عباس هم در اشرف اتفاق افتاد (کنبی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). بهشهر در دوران پادشاهی شاه صفی هم هنوز مورد توجه بود؛ وی برخی کارهای ناتمام شاه عباس را تمام کرد و کاخ زیبای صفی‌آباد نیز به دستور او در دو کیلومتری غرب مجموعه باغ‌های صفوی و بر فراز تپه‌ای ساخته شد. اما در زمان پادشاهان بعدی، کم‌کم از این توجهات کاسته شد. در حمله افغان‌ها نیز این شهر آسیب بسیاری دید. این وضع تا دوره افشاری ادامه داشت. «نادر شاه (۱۱۰۸-۱۱۶۰ ه.ق)، پس از سرکوب شاه طهماسب دوم (؟-۱۱۴۸ ه.ق)، توجه خاصی به اشرف مبذول داشت و دستور تعمیر و تجدید بنای کاخ سلطنتی دیوانخانه را که آتش سوزی قبلاً آن را از بین برده بود، صادر کرد» (ستوده، ۱۳۶۶: ۶۵۰). پس از نادر شاه، اشرف دوباره در فراموشی و ویرانی فرو رفت؛ «نادرشاه در موقع جنگ با لژی‌ها، مدتی در آنجا ماند. عادل شاه که جانشین او شد، گاهی به اشرف می‌رفت. اما بعد از مرگ او، این قسمت از ایران

نزهت و خرمی اشرف امکانه آن ولایت است، عمارات عالی جهت نزول همایون طرح انداخته، حمام، بیوتات و تالارها بر آن افزود و استادان چابک دست در آن سرزمین بلند و پست، حسب فرمان فرمانده زمان شروع در کار کردند ... چون آن مکان شریف را از جمیع جهات مسمای اسمش سمت ظهور دارد و قابل تربیت بود، رفته رفته به توجهات خاطر اشرف شرافتش افزود و باغات و بساتین جنت آئین مشتمل بر عمارات و حوضخانه ها در کمال زیبایی و دلگشایی ترتیب یافته، آب‌های خوشگوار از کوه‌های بلند به حیاض کوثر آئین و ریاض ارمیزین آورده، فواره‌ها به فنون غریبه و صنایع بدیعه از میان هر حوض به سان شعله نار که سر به کره اثیر کشید و یا چون گل‌گران که آتش بازان از باروت سازند در فوران است و چون اکثر اوقات زمان اقامت مازندان، آن قصبه لطیفه مسکن شهریار کامکار است، مقربان و ملازمان رکاب اقدس نیز منازل مرغوب عمارت نموده‌اند و اکنون آن قصبه نیز شهری بزرگ و به میامین تربیت آن حضرت، از بلاد مشهوره است» (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۵۵ و ۸۵۶).

بنابراین به گفته اسکندر بیک ترکمان که منشی دربار شاه عباس بود، در شهر اشرف‌البلاد، علاوه بر کاخ‌ها و باغ‌های شاهی، درباریان نیز به مناسبت لزوم حضور مداوم در رکاب پادشاه، عمارات زیبایی را در این شهر بنا کرده‌اند. شاید مهم‌ترین سندی که درباره وضع شهر در این دوران بتوان یافت، سفرنامه پیتر دلاواله است که در زمان سلطنت شاه عباس و زمانی که شهر هنوز نیمه ساخته است از آن بازدید کرده و مشاهدات خود را با دقت بیان می‌کند:

«بالآخره به اشرف که قریب به دو فرسنگ (و شاید کمتر) از دریا فاصله دارد و در کنار جلگه زیبایی، پای تپه‌های متعددی (که در قسمت جنوب آن هستند)، بنا شده، رسیدیم. اطراف این شهر باز است و جز قصر شاهی که هنوز ساختمان آن به پایان نرسیده است و باغ‌های مربوط به آن و یک خیابان پر از دکان و مغازه و خانه‌های چندی که بدون نظم و ترتیب در وسط درختان ساخته شده و اطراف آنها را زمین‌های وسیعی احاطه کرده، چیز دیگری در آن وجود ندارد. جمعیت این شهر کم نیست؛ زیرا شاه خیلی‌ها را به آنجا کوچ داده است و بخصوص موقعی که خود او در آنجا است به تعداد ساکنین محل افزوده می‌شود ... چشمه‌های آب شیرین و زلال (و آب‌های جاری با کیفیت بسیار خوب) زیاد است؛ و به اندازه‌ای در آنجا درخت وجود دارد که خانه‌ها در آن گم شده‌است و من موقع نوشتن یادداشت

روزانه خود تردید داشتم که آیا باید اشرف را شهری در میان جنگل بنویسم یا آنرا جنگلی بخوانم که به علت سکونت افراد حالت شهر به خود گرفته‌است» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۵). وی که اولین ملاقاتش با شاه عباس در دیوانخانه اشرف بود، ارتباط بین باغ‌های شاهی و شهر را به وضوح بازگو می‌کند: «... و سپس با اسب به سوی کاخ شاهی روانه شدیم که درب اصلی آن روبروی یک خیابان طویل و مصفایی قرار گرفته است. پس از رسیدن به این درب از اسب پیاده شدیم، ولی به جای دخول به محوطه چمن‌زار داخلی^۴، از خارج به سمت دست راست پیچیدیم و به میدانی که مشرف به کاخ است و درب باغ در آن واقع شده است، رسیدیم و هیچ کس اجازه ندارد جز با پای پیاده از این درب عبور کند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۶).

میدان جلوی دیوانخانه در اشرف و دهانه‌های بازار، در زمان بازدید پیتر دلاواله هنوز تکمیل نشده بود: «قصر در یک طرف خیابان زیبا و طویلی که طرفین آن را باغ و چمن پوشانده است، قرار گرفته و وزیر به من گفت که در نظر است در آنجا، بازار یعنی یک سلسله دکان و مغازه در محل سرپوشیده ساخته شود. در طول راه وزیر محل‌های دیگری را نیز به من نشان داد که برای ساختن کاروانسرا و میدان و حمام عمومی و امثالهم در نظر گرفته شده و شاه سعی می‌کند روز به روز این شهر را پرجمعیت‌تر سازد و بدین منظور دائماً مردم را از سایر نقاط به آنجا کوچ می‌دهد. بعد از درب ورودی که باید طبق معمول، پیاده از آن عبور کرد، چمن‌زار وسیعی است که اشخاص برای دیدن شاه در آنجا می‌ایستند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۶). خود دلاواله این میدان را چنین توصیف می‌کند: «بعد از مدخل اول، حیاط کوچکی بود که صورت آبدارخانه داشت، زیرا ملاحظه کردم که در آنجا مقدار زیادی یخ ریخته و ظرف‌های متعدد خوراکی چیده‌اند ... بعد از این محوطه از درب دیگری گذشتیم که بالای آن طاقیمای کوچکی قرار داشت و سپس وارد باغ شدیم» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۶). هانوی که در سال ۱۷۴۳ از این کاخ دیدن کرده، یک سری اطاق‌ها را بین این دو دروازه شرح می‌دهد که به گارد شاهی اختصاص داشته‌اند.^۵ «باینکه مجموعه باغ‌ها و شهر اشرف در زمان بازدید دلاواله از این مکان تکمیل نشده بود، نقشه عمارت دیوانخانه که توسط او ترسیم شده (تصویر ۲)،^۶ مدرکی با اهمیت است چرا که در آن «میدان بیرون» نیز ترسیم شده؛ میدانی که از آن، از طریق «ورودی سرپوشیده»، وارد باغ می‌شدند. باین ترتیب این قاعده که بین دولتخانه و شهر، همیشه یک میدان به مانند پیش‌خان

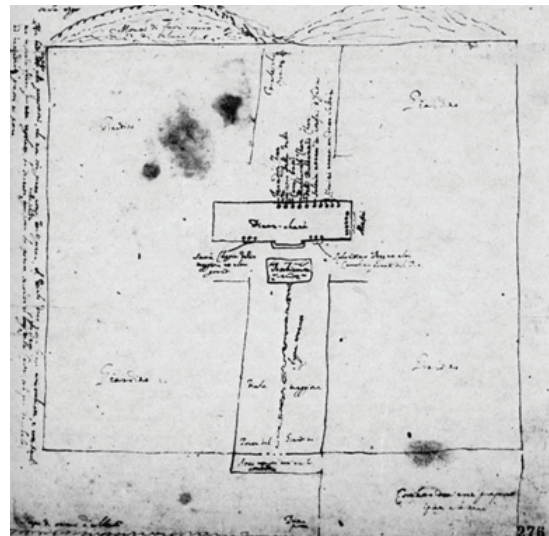


تصویر ۳: موقعیت مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر (به محل قرارگیری میدان در شمال باغ دیوانخانه توجه شود)؛ (عالمی، ۱۳۸۸)

دارد. در کنار حمام تپه‌ای بلند وجود دارد که بخشی از آن خاکریزی شده و بالای آن تپه که با پلکانی از آن بالا می‌روند^۷، باغی وجود دارد. مرا به سوی این باغ هدایت کردند و ملاحظه کردم که محوطه آن پر از درختان گل و سبزه‌های خوش بو و میوه‌های مختلف بخصوص پرتقال، لیمو است» (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۶۵). باغی شبیه این، به نام باغ تپه توسط مورگان، در شرق باغ چهل‌ستون ترسیم شده است. بین این دو باغ، مورگان از یک بالاخانه نام می‌برد که پلکانی بود برای بالا رفتن به باغ تپه در این قسمت از مجموعه، باغ چشمه عمارت و باغ زیتون^۸ نیز قرار داشتند. ویرانه‌های چشمه عمارت تا امروز باقیمانده‌اند. از این اسناد، نکاتی را در باره چهره شهر صفوی و باغ دیوانخانه و روابط آنها می‌توان دریافت:

- شهر اشرف‌البلاد پیش از پایه‌ریزی شهر توسط شاه عباس، روستایی بوده با منظره‌ای که به تبع اقلیم منطقه، به صورت جلگه‌ای پردرخت که از یک سو به کوه و از سوی دیگر به دریا محدود می‌شده، خودنمایی میکرده است. پس از ساختن شهر و باغ‌ها و کاخ‌های سلطنتی نیز چهره شهر چندان تغییری نکرده و همانطور که دلواله اشاره می‌کند، مانند شهری در میان جنگل به نظر می‌رسد. می‌توان تصور کرد که یک باغ در شهری پر از درخت، تاچه حد جلب نظر می‌کند و تاچه حد از جنس محیط اطراف خود به نظر می‌رسد (تصویر ۴).

به غیر از بناهای سلطنتی، سایر بناها کم و بیش به صورت بناهای ساده روستایی بوده؛ چنانکه دلواله خود خانه‌ای را که در آن ساکن بوده چنین توصیف می‌کند: «خانه‌ای که در آن سکونت دارم دارای باغچه بزرگی است



تصویر ۲: نقشه باغ شاه و عمارت دیوانخانه تهیه شده توسط دلواله؛ (عالمی، ۱۳۸۸)

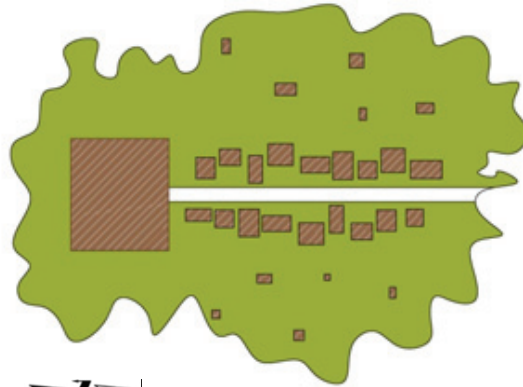
باشد در اشرف نیز تأیید می‌شود. میدان عنصری ضروری در ترکیب دولتخانه بود. در اینجا هم مثل فرح‌آباد، ساری، استرآباد، کاشان، قزوین، تبریز و غیره، مدلی اجراء می‌شد که تصویر کامل‌تر آن، در اصفهان حفظ شده، جایی که میدان شاه پیشخان ورودی باغ‌های شاهی را تشکیل می‌داد که از طریق دروازه عالی‌قاپو به آنها دسترسی داشت (تصویر ۳)» (عالمی، ۱۳۸۸).

با تطبیق تمام این گفته‌ها، حال می‌توان محل میدان را مشخص کرد، که دلواله آن را «میدان بیرون» نامیده و در نقشه خود، آنرا در شمال دیوانخانه ترسیم نموده است. دلواله میدانی را در جلوی باغ شاه و یا همان دیوانخانه توصیف می‌کند؛ اما پیش از آنکه وارد این میدان شوند، وزیر او را به سمت باغ شمال هدایت می‌کند که همان باغی است که به اتاق‌های گارد شاهی اختصاص یافته و محل آماده‌کردن ظرف‌های غذا نیز همان‌جا می‌توانسته باشد.

علاوه بر دیوانخانه، دلواله از سایر قسمت‌های مجموعه شاهی اشرف نیز بازدید می‌کند که آن هم از عمارت‌های مختلف، باغ‌های عمومی و خصوصی، و خانه‌ها تشکیل شده است. دلواله از برخی از آنها یاد می‌کند، اما تصریح می‌نماید که علاوه بر اینها «شاه می‌خواهد در اینجا خانه‌ها و تالارهایی بسازد که بخشی از باغ خواهند بود» (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۷۶). در واقع، مسافران بعدی سیستمی گسترده‌تر را توصیف می‌کنند. دلواله، بافت باغ‌ها در جنوب شرقی میدان را به این صورت توصیف می‌کند: «سمت چپ میدان (هنگام ورود)، حمامی زیبا است که دائماً برای شهر کار می‌کند و ورودی آن به شاه تعلق

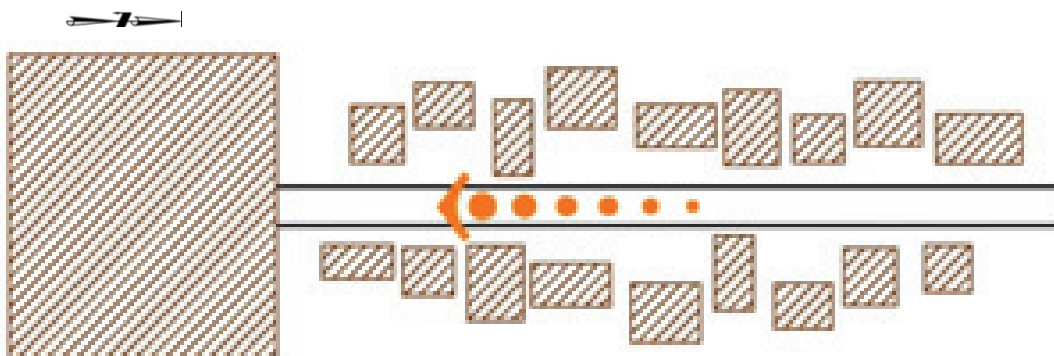
درختان بود و در انتها گستره دریا در افق چشم را می‌نواخت. نکته بسیار مهم دیگر، رعایت سلسله مراتب دسترسی به باغ بود. همانطور که دلاواله چندین بار در سفرنامه‌اش به آن اشاره می‌کند، باغ شاه در منتهی‌الیه خیابان طولی قرار گرفته که باغ‌های سلطنتی را به شهر مرتبط می‌کند. بناهای مهم شهری مانند بازار و حمام‌ها و کاروانسراها و ... و همچنین خانه‌های درباریان در دو سوی این خیابان در حال احداث هستند. پیش از ورود به باغ شاه که محل دیوانخانه حکومتی است، میدانی پوشیده از چمن قرار دارد که محل بار عام شاه است و پس از آن دروازه ورودی باغ قرار دارد. پس از ورود به باغ نیز بیننده به خیابانی وارد می‌شد که در امتداد همان محور پیشین ادامه می‌یافت. همانگونه که در علم معماری گفته می‌شود، در معماری موقعیت قرارگیری یک عنصر، از اهمیت آن عنصر ناشی می‌شود و از سوی دیگر، همین سلسله‌مراتب دسترسی است که اهمیت آن عنصر را به مخاطب یادآوری می‌کند. رسیدن به باغ شاه پس از طی یک مسیر طولانی که در تمام طول مسیر، باغ با شکوه تمام به چشم می‌خورد و پس از آن رسیدن به یک فضای واسطه مانند میدان و سپس عبور از دروازه‌ای که باید پیاده از آن عبور نمود، همه و همه مواردی هستند که مرتباً اهمیت باغ و فضای دیوانخانه را یادآور می‌شوند (تصویر ۵).

- کاربری باغ نیز نکته بسیار مهم دیگری است که به طور حتم بر روابط متقابل باغ و شهر تأثیرگذار خواهد بود. باغ شاه به‌شهر، آن‌چنان که پیشتر نیز به آن اشاره شد، در زمان شاه عباس صفوی ایجاد شد و در این زمان دیدارهای پادشاه با مهمانان و سفرا در آن صورت می‌گرفت. چنانکه از نام عمارت دیوانخانه نیز فهمیده می‌شود، این باغ و عمارت داخل آن به انجام کارهای حکومتی اختصاص داشته‌است. در شهر اشرف‌البلاد نیز مانند سایر شهرها، عملکرد یک



تصویر ۴. دیاگرام موقعیت قرارگیری باغ در بافت سبز محیط در حالت اصیل خود در دوران صفوی؛ (مأخذ: نگارنده)

که به علت انبوه درختان می‌توانم بگویم خورشید هیچ‌وقت بر زمین آن نتابیده‌است. در وسط درختان باغچه اتاقل کوچکی ساخته شده ...» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۱۴). استودارت نیز که اشرف را در سال ۱۰۳۸ ه.ق دیده‌است می‌گوید: «به اشرف رسیدیم شاه اینجا بود. مکان زیبایی است ولی ساختمان خانه‌ها محقر است. اغلب از تیرساخته و از نی پوشیده شده‌است ... برخی خانه‌ها از آجر ساخته شده‌است. خانه شاه بسیار بزرگ بود و باغ‌های زیبا و جالب با حوض‌ها و استخرهای زیبا در اطراف آن قرار گرفته‌است» (Stodart, 1935: 194-195). به این دلیل و به علت اینکه باغ شاه و چند باغ دیگر مانند باغ تپه، باغ صاحب الزمان، باغ چشمه عمارت، باغ خلوت، باغ حرم و باغ زیتون در شیب طبیعی دامنه‌های کوهستانی شهر ساخته شده‌بودند، باغ‌های نامبرده به کل شهر اشرف‌داشتند. این مسأله باعث می‌شد که باغ‌های سلطنتی از شهر بسیار باشکوه به نظر برسند و همچنین منظره‌ای که از باغ‌ها و به خصوص باغ شاه به علت انطباق محور اصلی این باغ با امتداد مسیر خیابان اصلی و عریض شهر مشاهده می‌شد، سطحی محملین از انبوه

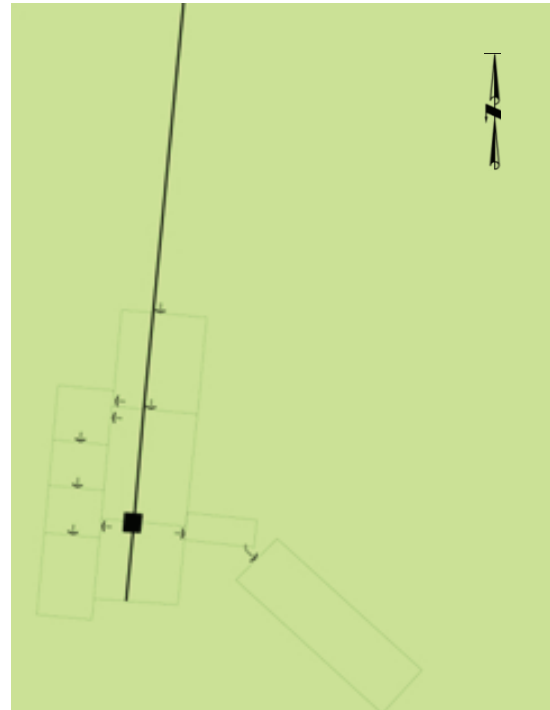


تصویر ۵. موقعیت قرارگیری باغ و خیابان اصلی شهر در قدیم؛ (مأخذ: نگارنده)

در سال ۱۱۴۴ ه.ق نادر افشار که هنوز یکی از فرماندهان صفوی بود و سعی در بر تخت نشاندن شاه طهماسب دوم صفی داشت، دستور تعمیرات و بازسازی عمارت دیوانخانه را که در آتش سوزی توسط افغانه از بین رفته بود، صادر کرد. اما مدرکی که ثابت کند که در این زمان تغییراتی نیز بر روی سایر باغ‌ها و بافت شهر صورت گرفته تاکنون به دست نیامده است.

سپس دوباره تا زمان ناصرالدین شاه قاجار هرج و مرج بر اوضاع این نواحی حکم فرما بود؛ به گونه‌ای که باغ‌های زیبای صفوی به ویرانه‌هایی تبدیل شدند. رابینو در کتاب مازندران و استرآباد گفته است: «اشرف ... در پنج مایلی دریای خزر و در کنار کوهستان واقع و در سمت جنوبی آن درختان بلند، بسیار فراوان است. در طرف شمال شهر منظره دلپذیری است، تا کنار خلیج استرآباد. چشمه‌های متعددی که از کوهستان جاری‌اند در میان شهر جریان دارد اشرف که اکنون رو به ویرانی است عظمت خود را مدیون شاه عباس صفوی است. انحطاط این شهر در واقع با سستی کار خاندان صفوی شروع گردید. این شهر سابقاً خرگوران نام داشته و به پیرزنی متعلق بود و شاه عباس آنجا را از او خریده و شهر جدید را در سنه ۱۰۲۱ ه.ق تأسیس کرد (از ماده تاریخ دولت اشرف استخراج شده است) و در مازندران اقامتگاه خود ساخت و قصرها و باغات بسیار در شهر برپا کرد. اشرف از جنگ‌های داخلی و حملات ترکمن‌ها صدمات بسیار دید و در دوره حکومت افغانه در ایران خراب شد. باز وقتی که لشکر زندیه به مازندران آمد لطمه دید» (رابینو، ۱۳۶۵: ۱۰۵).

باغ‌های اشرف تا زمان ناصرالدین شاه باقی ماندند. اما در این زمان این باغ متروک شده و به صورت خرابه‌ای درآمد. ملگونف سیاح روسی که در سال ۱۲۷۷ ه.ق یعنی حدوداً مقارن با اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از اشرف بازدید کرد و مدتی در آنجا اقامت داشت، درباره وضعیت این باغ‌ها اینگونه می‌نویسد: «کنون عمارات باغ‌های شاهی به بدترین صورتی ویران شده‌اند. عمارات بسیار بلند مرتبت را گرمابه یا جای گاوان و خران ساخته‌اند. خیابان‌ها که گلزار و گلشن بود، اکنون چراگاه چرندگان است. از درختان، به جز سرو و لیمو و پرتغال و توت و انار کمتر درختی به هم می‌رسد. درهای باغ‌ها اگرچه گشوده است و مانعی نیست، ولی از ترس دزدان کسی را یارای درون رفتن نبود» (ملگونف، ۱۳۶۴: ۹۰). وی همچنین باغ عمارت چهلستون را اینطور توصیف می‌کند: «عمارت

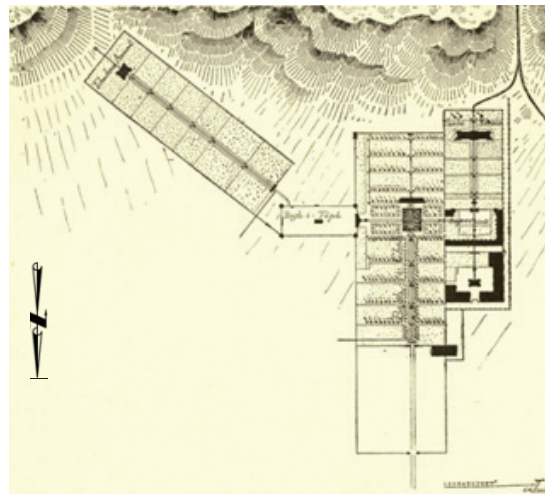


تصویر ۶. ارتباط میان مجموعه باغ‌های شاهی و بافت شهر (مأخذ: نگارنده)

عناصر بر انتخاب موقعیت قرارگیری آن در شهر و نیز بر انتخاب عناصر همجوار آن تأثیر گذار است که پیش از این درباره این تأثیرات به تفصیل مواردی گفته شد. - باغ شاه به شهر و باغ‌های سلطنتی دیگر که تقریباً به صورت همزمان احداث گشتند، به گفته کسانی که پیش از این در این باره نگاشته‌اند، به صورت مجموعه بوده‌اند و این بدین معنی است که هر کدام از این باغ‌ها در عین حال که به عنوان عنصری مجزا می‌توانند مطرح شوند، بدون سایر عناصر مجموعه تکامل نخواهند یافت. این به هم پیوستگی که در موقعیت قرارگیری، تقسیم کاربری‌ها و روابط فضایی به وضوح مشهود است، به درک صحیح هویت مجموعه بسیار کمک می‌کند (تصویر ۶).

جایگاه باغ شاه در شهر پس از صفویه تا دوران معاصر

دوران زندگی شاه عباس، دوران رونق اشرف‌البلاد بود. پس از شاه عباس، نوادگان او مانند شاه صفی و شاه عباس دوم نیز گاه‌گاه برای تفریح و شکار اوقاتی را در اشرف می‌گذرانیدند اما آن توجهی را که باید به آن نداشتند. بعد از این زمان با هرج و مرج در اوضاع کشور و کم‌توجهی پادشاهان به این دیار، کاخ‌ها و باغ‌های شاهی متروک ماندند و به خرابه‌هایی بدل شدند؛ تا زمانی که



تصویر ۷. موقعیت باغ‌های تاریخی بهشهر تهیه شده توسط ژاک دمورگان ۱۸۹۰ میلادی؛ (De Morgan, 1894: 181)

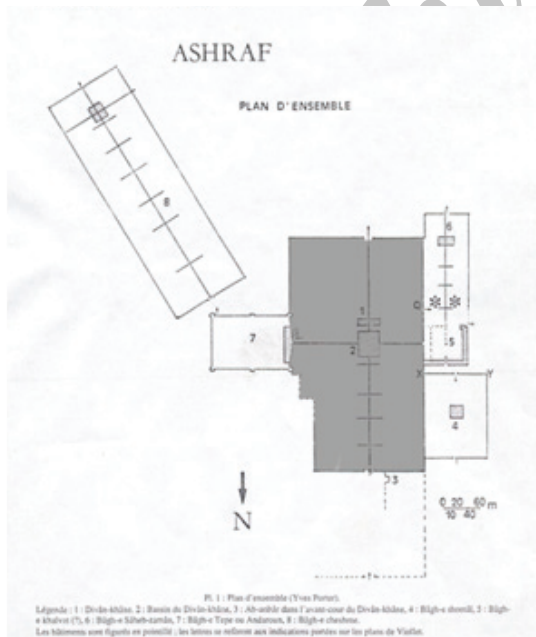
ناصرالدین شاه است. پس از این زمان دوباره باغ‌های تاریخی بهشهر دوباره به فراموشی سپرده شدند؛ چنانکه بابا عسگری در کتاب «اشرف البلاد» در این باره می‌نویسد: «افراد کهنسال و مطلع در تابستان سال ۱۳۴۹ به نویسند (بابا عسگری) گفتند که مدتی در داخل این استخر(استخر باغ شاه) که خشک شده بود، شالی می‌کاشتند و داخل آب آن قورباغه فراوان (بود) و صدای قورباغه موجب ناراحتی همسایگان باغ می‌شد» (بابا عسگری، ۱۳۵۰: ۲۱۲). تا اینکه در دوران پهلوی اول، اشرف‌البلاد دوباره مورد توجه قرار گرفت و نام آن به بهشهر تغییر کرد (شایان، ۱۳۶۳: ۳۲۰). در این زمان شهر بهشهر دچار تغییرات بسیار شد؛ از جمله این تغییرات می‌توان به خیابان کشی‌های بسیار و بازسازی برخی بناهای موجود در باغ‌ها را نام برد.

از مدارکی که برای درک تغییرات اعمال شده در این دوره می‌شود از آنها استفاده کرد، می‌توان به عکس‌های هوایی قدیمی (تصویر ۹) و تصاویر موجود و کتاب‌ها اشاره کرد. دونالد ویلبر هم در دوران حکومت پهلوی اول از اینجا بازدید کرده و نقشه‌ای از کل مجموعه باغ‌ها ارائه نموده است (تصویر ۱۰). مهم‌ترین چیزی که در این اسناد به چشم می‌خورد، از میان رفتن اغلب باغ‌ها و تبدیل کاربری بافت اطراف به منازل مسکونی و همچنین اضافه شدن

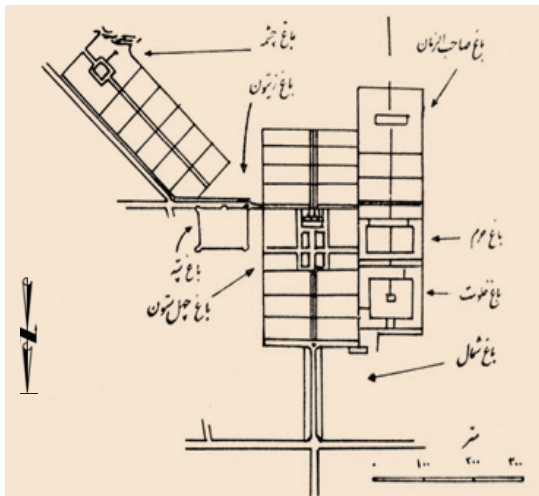
چهلستون، عمارتی است که تالار او یک مرتبه و گوشوار او دو مرتبه مشتمل بر ۱۶ ستون چوبی (است). اکنون در میان اطاق‌های آن، گوده‌های آتش و اجاق‌ها کنده، به جز سه در در آنجا چیزی نیست. اطاق‌های بالا جایگاه آیندگان و روندگان (بوده‌است) « (ملگنوف ۱۳۶۴: ۸۸). دمورگان باستان‌شناس فرانسوی در همین زمان از این مجموعه باغ‌ها بازدید کرده و نقشه‌ای از آنها تهیه کرده که می‌تواند بسیار مورد استفاده قرار گیرد (تصویر ۷).

ناصرالدین شاه پس از سفر دومش به مازندران و دیدن اوضاع باغ شاه، دستور تعمیرات برخی از عمارات باقی مانده را صادر کرد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که در سفر دوم ناصرالدین شاه به مازندران در رکاب او بوده، در جلد اول کتاب مرآت‌البلدان می‌نویسد: «در وسط شهر باغی است موسوم به باغ چهلستون، مربع مستطیل. در وسط آن عمارتی است مشتمل بر یک تالار که در جنبین آن چندین اتاق ساخته شده. این تالار به بناهای صفوی نمی‌ماند. ظاهراً بنای اول خراب و بعد تازه ساخته شده؛ اگرچه معروف بود که نادر شاه این عمارت را ساخته‌است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۱۹۵).

مهم‌ترین مدرکی که تغییراتی را که در زمان ناصرالدین شاه در مجموعه باغ‌ها ایجاد شده‌است را توصیف می‌کند، نقشه‌های بسیار دقیقی است که محقق به نام هانری ویوله ارائه می‌کند (تصویر ۸). وی علاوه بر تهیه نقشه‌های تک تک باغ‌ها، نقشه‌ای نیز از مجموعه باغ‌ها تهیه می‌کند که بسیار گویای اوضاع باغ‌ها و روابط آنها در زمان



تصویر ۸. موقعیت مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر (محل قرارگیری میدان با نقطه چین مشخص شده‌است)؛ (هانری ویوله ۱۹۱۳، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور)



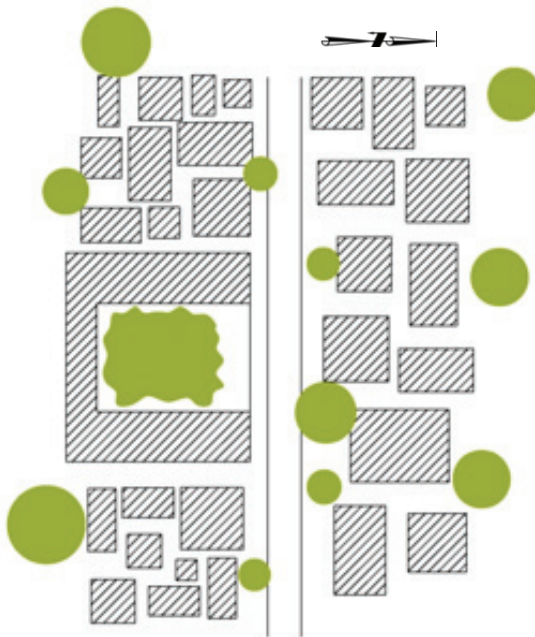
تصویر ۱۰. موقعیت باغ های تاریخی بهشهر؛ (ویلبر ۱۳۸۷، ۱۳۷)



تصویر ۹. عکس هوایی از باغ شاه در سال ۱۳۵۶؛ (سازمان نقشه برداری کشور)

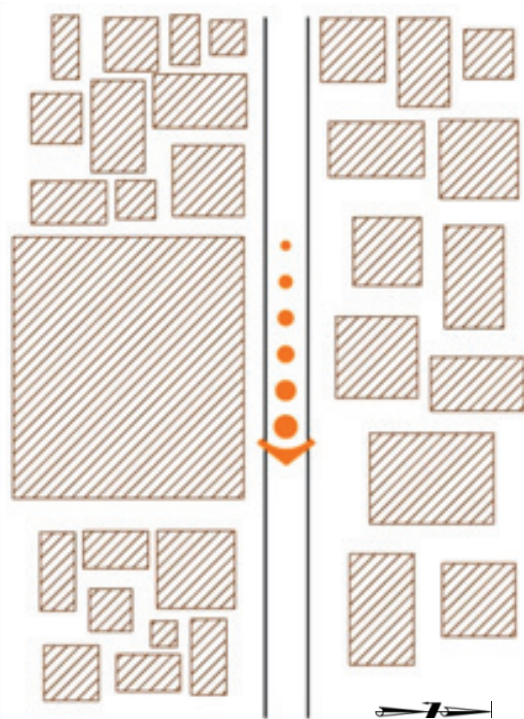
۲- در این زمان پس از متروک ماندن باغ‌های سلطنتی و مخروبه شدن آنها، کم‌کم آمد و شد به آنها کمتر شد. در زمان پهلوی نیز با ایجاد خیابان کشتی‌های جدید و تغییر نحوه دسترسی به باغ شاه، خیابان اصلی شهر که در زمان صفوی خیابانی طولیل بود که هم امتداد بودن محور این خیابان و محور اصلی باغ شاه، بر اهمیت باغ تأکید می‌کرد کم‌رنگ شد (تصویر ۱۲). بنابراین سلسله مراتب دسترسی به باغ تغییر یافت و در این تعریف جدید، باغ شاه مانند

خیابان کشتی‌های مدرن می‌باشد. در این زمان میدان نیز که به مرور زمان کم‌رنگ شده بود، کاملاً نادیده گرفته می‌شود؛ خیابانی شرقی- غربی و عمود بر امتداد خیابان اصلی به وجود می‌آید و در نهایت ورودی باغ به محل تقاطع این دو خیابان منتقل می‌شود. آن چنان که امروزه نیز ورودی باغ شاه را از ابتدای این خیابان می‌دانند. این‌گونه تغییرات که از زمان پهلوی اول آغاز شده بود، در زمان پهلوی دوم نیز ادامه یافت. تحولاتی که در طی این دوران در جایگاه باغ شاه در شهر بوجود آمد و عوامل بوجود آورنده این تغییرات را بدین صورت می‌توان دسته‌بندی کرد:



تصویر ۱۱. دیاگرام موقعیت قرارگیری فضاهای سبز در بافت محیط اطراف باغ پس از تغییرات زمان پهلوی؛ (مأخذ: نگارنده)

۱- منظره شهر که در زمان برپایی‌اش، شهری در میان جنگل و متشکل از خانه‌های پراکنده روستایی و کوچک توصیف می‌شد که قصرهای سلطنتی در آن خودنمایی می‌کردند، پس از ویرانی‌های متعدد در جنگ‌های پی‌درپی بسیار آسیب دید و پادشاهانی مانند نادر شاه و ناصرالدین شاه نیز تنها به آبادانی چند کاخ سلطنتی اهتمام ورزیدند. بنابراین در زمان پهلوی اول از بافت تاریخی اشرف البلاد چندان چیزی باقی نمانده بود. در پی تغییراتی که در دوران پهلوی تحت عنوان آبادانی شهر در آن انجام شد، باقیمانده ناچیز این بافت تاریخی نیز دگرگون گردید و با بوجود آمدن کارخانجات متعدد در اطراف شهر، منظر شهر بکلی متحول شد و از یک شهر روستاگونه پردرخت به شکل یک شهر مدرن با کارخانجات و خیابان‌ها و میدانی مدرن تغییر یافت (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۲. موقعیت قرارگیری باغ و خیابان اصلی شهر پس از تغییرات؛ (مأخذ: نگارنده)

مکانی ترسناک تبدیل شده بود که به جز احشام و جانوران، تنها دزدان در آن رفت و آمد می کردند (ملگنوف، ۱۳۶۴: ۹۰). می توان تصور کرد که باغی که در زمانی مانند قلب تپنده شهر و محل انجام کارهای حکومتی و محل استقرار پادشاه بود، چگونه مانند یک عنصر مزاحم شهری به دور انداخته شده و مورد بی مهری واقع شده است. اگرچه در مقاطع زمانی کوتاهی برای اقامت کوتاه مدت اشخاصی مورد تعمیر قرار گرفته؛ اما به علت سروکار نداشتن مداوم مردم با آن و کاربری نادرست و عدم رسیدگی، به صورت یک عنصر نازیبا و بی عملکرد در شهر مطرح می شده و طبیعتاً توجهی نیز به آن نمی شده است. اما در زمان پهلوی بنای داخل باغ به عنوان اداره املاک شهر عملکرد پیدا می کند و شاید بتوان گفت که این اقدام این باغ را از نابودی نجات داد؛ اگرچه با تغییرات اساسی، چهره باغ و بنای داخل آن به صورت یک بنا و پارک مدرن تغییر یافت و سلسله مراتب و جایگاه آن در شهر به عنوان یکی از ادارات دولتی تنزل یافت.

جایگاه باغ شاه در بهشهر امروز

امروزه از آنچه در دوران صفوی اشرف‌البلاد نامیده می شد، چیزی باقی نمانده است. بهشهر امروزی با خیابان کشی های جدید و ساختمان هایی با معماری نه چندان بومی امروزی، کوچک ترین شباهتی با چهره پیشین خود ندارد و تنها بقایایی از باغ های کهن را در خود جای داده است. خیابان اصلی شهر که در سفرنامه ها از آن سخن رفته و از میدان بیرون شروع می شد و به سمت شمال امتداد می یافت، به یک خیابان شلوغ و پرتردد و درجه



تصویر ۱۳. چهره امروزی خیابانی که جایگزین خیابان اصلی پیشین شهر شده است؛ (نگارنده)

هریک از عناصر دیگر شهر و نه به صورت یک عنصر شهری مهم و خاص، مطرح شد.

شاید مهم ترین عامل آسیب رساننده به سلسله مراتب دسترسی به باغ در این زمان را بتوان کم رنگ شدن میدان در طول زمان دانست. اگر به نقشه های تهیه شده توسط محققان در این بازه زمانی و همین طور عکس های هوایی نگاهی بیاندازیم، روند این نابودی به وضوح قابل مشاهده است. در نقشه ای که دموگران پیش از تغییرات انجام شده توسط ناصرالدین شاه تهیه کرده، میدان روبروی باغ شاه به روشنی دیده می شود. در نقشه هانری ویوله که پس از تغییرات ناصرالدین شاه ترسیم شده، تنها ضلع غربی و قسمت کوچکی از ضلع شمالی این میدان، آن هم با خط چین و به صورت نامطمئن نشان داده شده است. در نقشه ویلبر دیگر اثری از این میدان دیده نمی شود و تنها قسمت باریکی از آن که بلافصل خیابانی بود که از آن عبور می کرد، باقی مانده است.

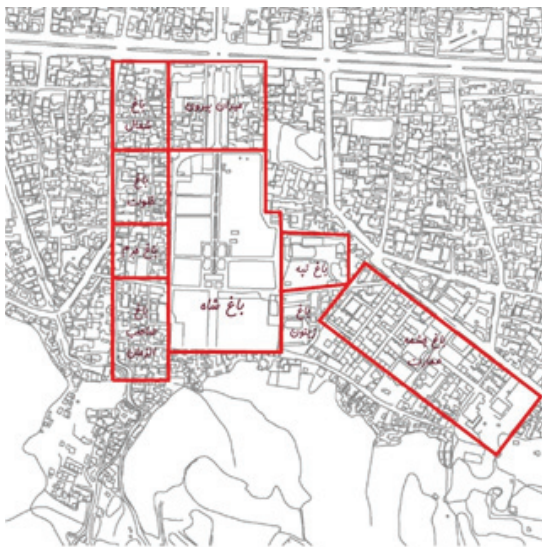
۳- مسأله مهم دیگر، کاربری باغ است. باغ شاه که پس از بی توجهی پادشاهان صفوی متروک مانده بود، به گفته کسانی که در این زمان از این شهر بازدید کرده اند به



تصویر ۱۵. تصویری از بقایای باغ چشمه عمارت، گوشک باغ در تصویر مشاهده می‌شود؛ (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۴. منظر از دیوار غربی باغ، نمونه‌ای از بناهای جدید مشرف به باغ در تصویر مشاهده می‌شود؛ (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۶. انطباق محدوده باغ‌های قدیم بر روی نقشه جدید بافت اطراف باغ؛ (مأخذ: نگارنده)

مورد توجه و مرمت قرار گرفته (تصویر ۱۵) و باغ شاه، با تبدیل شدن به شهرداری و پارک شهر و ایجاد الحاقات بسیار، به حیات خود ادامه می‌دهند. از میدان بیرون که در اصل حد فاصل باغ شاه و فضای شهر و مکانی برای بار عام شاه بود، اکنون به جز قسمت باریکی که خیابان اصلی را به باغ شاه متصل می‌کند و جزء پارک شهر محسوب می‌شود، چیزی باقی‌نمانده است (تصویر ۱۶). با توصیفاتی که گفته شد، می‌توان دریافت که کالبد امروزی بستر باغ شاه، هیچ شباهتی به کالبد پیشین آن ندارد و تغییرات بسیاری که در آن اتفاق افتاده، ناگزیر تأثیراتی بر آنچه از بافت تاریخی این شهر باقیمانده، خواهد گذاشت.

دوم شهری بدل شده که خیابانی عریض تر و عمود بر آن، ارتباط آن را با آنچه از میدان باقی مانده است، قطع می‌کند (تصویر ۱۳). در شهر بهشهر که در قدیم از میان انبوه درختان، خانه‌های پراکنده آن به زحمت دیده می‌شدند، اکنون تنها درختان پراکنده‌ای وجود دارند که در میان انبوه ساختمان‌ها گمشده‌اند. منظر عمومی شهر را ساختمان‌هایی تشکیل می‌دهند که از مصالحی مانند آجر و شیشه و سیمان و سنگ ساخته شده‌اند و بدون هیچ ظرافت و زیبایی، تمام فضای شهر و حتی اطراف باغ تاریخی شاه بهشهر را بدون در نظر گرفتن حریم، اشراف و تخریب دید و منظر، پر کرده‌اند (تصویر ۱۴). از بناهای خدماتی شهر مانند بازارها، کاروانسرا و حمام و ... که در کتاب‌ها به آنها اشاره شده است، فقط خرابه‌هایی از یک آب‌انبار قدیمی باقی مانده است. تنها بخش‌هایی از سیمای شهر که مناظر توصیف شده در سفرنامه‌ها را یادآوری و صحت آنها را تأیید می‌کند، باغ‌ها و شالیزارهای اطراف و قسمت‌هایی از جنگل‌های پردرخت است که در محوطه‌های خارج از شهر و کوه‌های اطراف به چشم می‌خورد.

در میان این بافت ناهمگون و سراپا متفاوت از سیمای سرسبز و ساده اشرف‌البلاد، بقایایی از مجموعه باغ‌های صفوی به چشم می‌خورد که با پذیرفتن تغییرات و تخریب‌های بسیار تا به امروز باقی مانده‌اند. البته آنچه باقی‌مانده است را به زحمت می‌توان مجموعه نامید؛ زیرا از باغ‌های حرم، خلوت، زیتون، شمال و صاحب‌الزمان کاملاً از بین رفته‌اند و از باغ تپه نیز چیز زیادی باقی‌نمانده است. تنها گوشک میانی باغ چشمه عمارت که در سال‌های اخیر

نتیجه‌گیری

رویگرد به حفظ و نگهداری باغ‌های تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخشنده به بافت، نگاهی است که می‌تواند برای حفظ اصالت شهر از یک سو و برای صیانت از هویت خود باغ از سوی دیگر بسیار مفید واقع شود. در بخش‌های پیشین دیدیم که چگونه فراموش کردن باغ‌های تاریخی به‌شهر و بی‌توجهی به آنها در طول تاریخ، صدمات جبران‌ناپذیری را هم به شهر و هم به باغ‌ها وارد کرده‌است. باتوجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، می‌توان بسیاری از آسیب‌هایی که به اصالت و ارزش‌های باغ لطمه وارد کرده‌اند را ناشی از تغییرات نابجا و غیراصولی بافت پیرامون آن دانست. به‌عنوان مثال تغییری که در خیابان‌کشی‌های شهر ایجاد شده و علاوه بر تغییر سلسله‌مراتب دسترسی قدیم، تعریف‌شدگی و خوانایی این باغ تاریخی را به‌عنوان یک عنصر مهم و باهویت‌شهری، از بین برده‌است. از میان رفتن میدان پیش از ورودی و تعریف‌نشدن محدوده باغ نیز آسیب دیگری است که باید به آن توجه شود. به‌جز قسمت کوچکی از میدان که اکنون به‌عنوان ورودی باغ از آن استفاده می‌شود، سایر قسمت‌های آن به بناهای عمومی و خصوصی تبدیل شده‌اند. این فضای ورودی نیز علاوه بر شکل نامناسبی که برایش ایجاد کرده‌اند، به کاربری‌های گوناگون و ناهمگونی نیز اختصاص یافته‌است. مانند تاکسیرانی، بوفه و فضای بازی بچه‌ها که هم از لحاظ کالبدی بسیار ناهمخوان با محیط می‌باشند و هم باعث تغییر جنس فضا از فضایی تاریخی و فرهنگی به فضایی عمومی و اجتماعی شده‌اند؛ ضمن اینکه با خرد کردن فضا، مانع از درک کلیت آن به‌عنوان محیطی یکپارچه می‌شوند. تغییر کالبدی مجموعه باغ‌های اشرف، رعایت نشدن حریم و اشراف و همچنین تناسب نداشتن بناهای نوساز اطراف با باغ دولتخانه از نظر ابعاد و مصالح به کار رفته نیز از دیگر آسیب‌هایی است که می‌توان به‌عنوان عوامل آسیب‌رساننده به هویت و جایگاه باغ شاه از آنها یاد کرد. اما شاید مهم‌ترین عاملی که پس از دوران شکوفایی و رونق باغ به آن آسیب رسانده‌است و باید در اینجا به آن اشاره شود، بی‌اعتنایی بافت‌بستر این باغ تاریخی به آن به‌عنوان یک عنصر شاخص و قابل توجه در طرح‌های شهری می‌باشد. بافت اطراف، هیچ رویکرد خاصی را به باغ نشان نمی‌دهد و بدون هیچ‌گونه انعطافی، این اثر تاریخی را در میان گرفته‌اند؛ در صورتی که از این فضا می‌توان به بهترین شکل برای معرفی و ارائه باغ به مخاطبان استفاده نمود. در پایان یادآوری این نکته بجاست که رویکرد شهر به یک عنصر تاریخی و جایگاه آن عنصر در بافت، گویای اهمیت هویت آن مکان برای شهر می‌باشد. باغ تاریخی شاه و باغ‌های تاریخی دیگر، به مثابه شناسنامه‌های زنده برای این شهر و مردم آن می‌باشد و شایسته‌است که در طرح‌های آتی شهری، با وسواس و دقت نظر مناسبی به این مقوله نگاه شود.

پی‌نوشت

- ۱- در مجله گلستان هنر شماره ۵، حاصل پژوهش تعدادی از محققانی که پیرامون ویژگی‌های خاص باغ‌سازی این دوره و ارتباط آن با شهرسازی این زمان مطالعه کرده‌اند، به چاپ رسیده‌است. از جمله دکتر مهوش عالمی، ژان برینیولی، دکتر زهرا اهری و ...
- ۲- باغ شاه و عمارت دیوانخانه، در مرکز مجموعه باغ‌های تاریخی اشرف قرار داشتند و ارتباط سایر باغ‌ها از داخل این باغ میسر می‌شد. برای اطلاعات بیشتر به کتاب «سفرنامه پیتر دلاواله» ترجمه شعاع‌الدین شفا و «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن» نوشته دونالد ویلبر با ترجمه مهین دخت صبا و نقشه‌های تاریخی این باغ‌ها مراجعه شود.
- ۳- این اظهار نظر با مطالعه کُتبی از قبیل «اشرف‌البلاد» نوشته علی بابا عسکری و گزارشات باستانشناسی موجود در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مازندران گفته شده‌است.
- ۴- میدان‌های جلوی دولتخانه‌ها معمولاً سبزه‌میدان نامیده می‌شدند. شاید از آنجا که جهت اسب سواری سبزه‌کاری شده بودند. در این مورد پیتر دلاواله در صفحه ۲۸۴ می‌نویسد: «اینجا چمن سبز زیبایی هست که درباری‌ها و کسانی که می‌خواهند شاه را ببینند و با او صحبت کنند، انتظار می‌کشند زیرا شاه هیچ‌گاه در اطاق‌های خانه‌اش بار نمی‌دهد بلکه همیشه در حیاط‌ها و میدان‌های عمومی پیاده یا سواره بار می‌دهد» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۸۴)
- ۵- «بالای دروازه ورودی نشان ایران هست... بعد از دروازه خیابان طویلی است که در دو طرف سی اطاق برای نگهبانان دارد، دروازه بعدی به طرف باغ باز می‌شود» (Hanway, 1753: 54).
- ۶- این طرح شامل توضیحات زیر است: «کوه‌های بیرون که با جنگل پوشیده شده‌اند؛ باغ، خیابانی که ادامه دارد، حوض، خیابان



اصلی، آب جاری، فریدون خان، پیتر و دلاواله، قورچی باشی، محمدخان، دلی محمدخان، سلطان که با سلطان مذکور آمده بود، در باغ، ورودی سرپوشیده که نگهبان‌ها آنجا بودند، ساروخواجه وزیراعظم و بزرگان دیگر، پرچین از شاخه‌های درخت‌ها، دروازه اولی، حیاط کوچکی که در آنجا غذا و شام آماده شده بود؛ میدان بیرون ... طول خیابان باید حدود یک دید باشد و من بدون آنکه نقشه دقیقی کشیده باشم، طرحی تند کشیده‌ام؛ طوری که در این کاغذ جای شود که ایده‌های از آن بدهم « (عالمی: ۱۳۸۸).

۷- « در شرق چهل ستون حوضی است ... و دروازه‌ای هم دارد. داخل می‌شوی پله است، بالا می‌رود به باغ دیگر که تپه باغ می‌گویند که در چهار کنج چهار برج [دارد]. و درخت‌های مرکبات و شش سرو و یک باب حمام و عمارت است» (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۸۳).
۸- « باغ زیتون که در سفرنامه‌ها آمده است، بین باغ چشمه و باغ تپه در فضایی منتج از دو جهت مختلف این دو باغ است قرارداد» (عالمی: ۱۳۸۸).

۹- اسکندربیک ترکمان، منشی مخصوص شاه عباس، قطعه شعری از مولانا محمود بهشتی گیلانی در خصوص ماده تاریخ بنای اشرف نقل کرده است:

" خسرو آفاق شه کامیاب

آن محک باطن هر خوب و زشت

کرد چو در اشرف مازندران

طرح بنایی به صفا چون بهشت

از ره اقبال ز فیض قدم

آب و گلشن با گل و عنبر سرشت

دست سعادت پی تاریخ آن

بردر او دولت اشرف نوشت»

اگر بجای حروف «دولت اشرف» عدد معادل ابجد آنرا قرار دهیم، عدد ۱۰۲۱ ه.ق بدست می‌آید که تاریخ بنای اشرف‌البلاد است. وی همچنین وجه تسمیه اشرف را ماخوذ از «دولت اشرف» می‌داند (اسکندر بیگ ترکمان ۱۳۵۰: ۸۵۵).

منابع

- اسکندر بیگ ترکمان. (۱۳۵۰). *تاریخ عالم آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی. (۱۳۶۴)، *مرآت البلدان*. به کوشش پرتو نوری اعلاء و محمد علی سپانلو. تهران: نشر اسفار.
- بابا عسگری، علی. (۱۳۵۰). *اشرف البلاد*. تهران: شرکت سهامی ایران چاپ.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۳). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیرانی (چاپ دوم). تهران: انتشارات نیلوفر.
- خوانساری، مهدی، مقتدر، محمدرضا و یآوری، مینوش. (۱۳۸۳). *باغ ایرانی بازتابی از بهشت*. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیتر و دلاواله*. ترجمه شعاع الدین شفا (چاپ دوم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دمورگان، ژاک. (۱۳۳۵)، *سفرنامه دمورگان*، ترجمه جهانگیر قائم مقامی. تهران: انتشارات طهوری.
- رابینو، یاسنت لوئی. (۱۳۶۵). *سفرنامه مازندران و استرآباد*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۶۶). *از آستارا تا استرآباد (جلد چهارم)*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *شناخت شهرهای ایران*. تهران: چاپ ماه منظر.
- شاردن، ژان. (۱۳۵۰). *سیاحت‌نامه شاردن (جلد چهارم)*. ترجمه محمد عباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شایان، عباس. (۱۳۶۴). *مازندران (چاپ دوم)*. تهران: انتشارات علمی.
- عالمی، مهوش. (۱۳۸۸). *باغ‌های شاهانه اشرف و فرح‌آباد*. مقاله منتشر نشده.
- عطاری کرمانی، عباس. (۱۳۸۶). *تاریخ شهرهای ایران*. تهران: نشر آسیم.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات طوس.



- کنبی، شیلا. (۱۳۸۶). *عصر طلایی هنر ایران*، ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- مرعشی، ظهیرالدین. (۱۳۴۵). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمد حسین تسبیحی. تهران: انتشارات شرق.
- ملگونف، گریگوری والرینوویچ. (۱۳۶۴). *سفر زمستانی*. ترجمه دکتر مسعود گلزاری. تهران: نشر دادجو.
- میرزا ابراهیم. (۱۳۵۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۸۳). *سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران*. تصحیح هارون وهومن. تهران: پانید.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۸۷). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه مهین دخت صبا (چاپ پنجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- همایون، غلامعلی. (۱۳۴۸). *اسناد مصور اروپائیان از ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Alemi, Mahvash (1994), *Giardini reali di Ashraf e Farahabad*, in: Attilio Petruccioli ed., *Il giardino islamico*, Electa.
- De Morgan, Jan Jak (1894), *Mission Scientifique en Perse*, Ernest leroux, Paris.
- Hanway, Jonas (1753), *An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea with Journal of Travels*, Dodsley, London.
- Stodart, Robert (1935), *The Journal of Robert Stodart: being an account of his experiences as a member of Sir Dodmore cotton's Mission in persia in 1628-29*, luzac, London.

Archive of SID



Receive Date : 6/11/2011
Admission Date : 8/6/2011

Recognition of Historical Place of Bagh-e Shah in Behshahr from Safavid Period up to Now: A Review

Samira Mansouri Roodkoli*

Abstract

Bagh-e Shah (King's Garden) was built, originally functioning as *Divan-Khaneh* (a royal visiting place) in Safavid period. This edifice located in Ashraf al-Belad (today known as Behshahr, one of the northern cities of Iran) has undergone major changes from the time of its establishment. The extent of changes in the neighboring surroundings, however, has been much more than those of the interior. Serving once as the most famous landmark of the city, the royal garden now has been entangled among the local houses and alleys devoid of slightest glory which it used to be proud of. *Bagh-e Shah* is in fact, one of the surviving prime examples of the Persian gardens in humid climate, unique in its kind; it vividly represents the traditional function of a royal garden in a distinct city like Behshahr- the summer capital of the country in Safavid period. Therefore, an appreciation of the interaction governing between the *Bagh* and its surroundings and of destructive factors threatening its identity seems unavoidable. This study aims to investigate the available historical records of Bagh-e-shah garden on its situation, position and function at the time of establishment in the town of Ashraf al-Belad and the damages imposed to its originality.

Keywords: Garden, Ashraf al-Belad, Bagh-e Shah, Authenticity, Safavid period

* M.A in Conservation and Revitalization of Historic Buildings and Sites, Lecturer in Architecture Department, Islamic Azad University- Astaneh Ashrafiyeh Branch, Iran. smansouri88@gmail.com